

انجام شده توسط خود پژوهشگران و تعدادی از دانشجویان شان انجام شد، برای مثال: اضطراب امتحان (توسط ورنیه)، تلاش جهت ادغام فرهنگی (توسط گروهی در شهر لیل)، تفریحات دانشجویی (توسط لو بورژوا)، دانشجو از منظر دانشجویان (گروهی در پاریس)، گروه تئاتر قدیمی سوربن (گروهی دیگر در پاریس) منابع مورد استفاده این پژوهش بودند (بورديو، ۱۹۸۳: ۷) در واقع این کتاب را می‌توان تحلیل عمیق داده‌های جمع‌آوری شده در کتاب *وارثان* و تبیین نظریه باز تولید دانست. به عبارت دیگر، بورديو و پسون با مطالعه نظام آموزش عالی فرانسه، وضعیت موجود این بخش را نتیجه روش‌های اجرا شده، تدریس و امتحانات در نظام آموزش و پرورش پیش دانشگاهی می‌دانند.

کتاب باز تولید شامل دو بخش است. بخش اول که به طرح مباحث نظری مورد استفاده در تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، اختصاص دارد و در بخش دوم که داده‌ها همراه با تحلیل و نتیجه‌گیری معرفی می‌شوند. بخش دوم کتاب شامل چهار فصل است. فصل اول سرمایه فرهنگی دانش آموزان، نابرابری شانس در گزینش نظام آموزش و پرورش به ویژه در مقطع پایانی دبیرستان و ورود به دانشگاه را مد نظر قرار می‌دهد و در فصل دوم، روش تدریس و کلاس‌داری و زبان رایج در مدرسه مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل سوم به حذف و گزینش براساس آزمون درسی و آزمون اجتماعی می‌پردازد. و در نهایت، فصل چهارم، به کارکرد ایدئولوژیک نظام آموزش و پرورش اختصاص دارد.

ذکر این نکته اهمیت دارد که آثار بورديو به ویژه آن دسته از آثار که وی در آن‌ها به طرح نظریه می‌پردازد از نظر زبانی و عمق مطالب، بسیار دشوار هستند. بورديو از اولین کتاب

نامه انسان‌شناسی

دوره اول، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۸۲

صص ۱۹۳-۱۹۸

Reproduction, éléments pour une
théorie du système d'enseignement,
Pierre Bourdieu, Paris, éd. Minuit 1970.

باز تولید، عناصری برای یک نظریه نظام آموزشی،
پی‌یر بورديو به همراه ژان کلود پسون، پاریس، انتشارات
مینوی، ۱۹۷۰.

مرتضی منادی*

باز تولید در اصل تفسیری جامعه‌شناختی بر کتاب *وارثان*^۱ است که در سال ۱۹۶۶ در فرانسه منتشر شد. وارثان، خود پژوهشی بود از همین مولفین درباره آگاهی و رفتار دانشجویان رشته‌های ادبیات و علوم انسانی بر پایه طبقه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها.

مقدمه

نظریه پردازی بورديو را می‌توان بدون شک در سه کتاب: *باز تولید*، *تمایز* و *فقر جامعه*، مشاهده کرد. از این سه کتاب *باز تولید* اولین کتاب نظری وی است که باعث شهرت شد. این کتاب در سال ۱۹۷۰ منتشر شد. بورديو و پسون پژوهش جامعی را پیرامون نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی در فرانسه انجام دادند. آن‌ها اطلاعات مورد نیاز خود را از منابع مختلف جمع‌آوری کردند. داده‌های مرکز آمار فرانسه، تحقیقات تک‌نگارانه و پیش‌آزمون‌های

* استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهرا

^۱ Les Héritiers, les étudiants et la culture

موجود در جامعه در گذار از نظام فرهنگی طبقه حاکم است». (همان: ۲۰)

«این گفتار که کنش آموزشی به شکل یک خشونت نمادین است به این معنی است که آموزش، روابطی از زور و فشار در بین گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی برقرار می‌کند. این روابط یک ساختار اجتماعی را می‌سازند که به بنیان‌های یک قدرت استبدادی شکل می‌دهد و این قدرت به ویژه در روابط آموزشی عیان می‌شود. این رابطه به معنی تحمیل و تلقین کردن یک فرهنگ است». (ص: ۲۰) و این معنی‌ها و مفاهیم متعلق به فرهنگی خاص و طبقه‌ای خاص است (ص: ۲۲). وی در ادامه می‌افزاید: «هر چه درجه اقتدار فرهنگ تحمیلی بالاتر باشد، درجه عینی اقتدار قدرت تحمیل یک کنش اجتماعی نیز بالاتر است» (ص: ۲۴).

اما چگونه این روابط آموزشی عملاً و به صورت عینی و واقعی شکل اقتدار به خود می‌گیرند؟ بورديو می‌گوید: «زمانی که فردی دارای دانشی است و در موقعیت انتشار و پخش آن قرار می‌گیرد، بین او و فرد یا افرادی که در موقعیت آموختن آن دانش قرار دارند، رابطه قدرت و زور برقرار می‌شود. این گونه روابط، فقط در محیط آموزشی یعنی در نظام آموزش و پرورش وجود ندارد، بلکه در خانواده و در بین نسل‌ها نیز قابل مشاهده است. (صص: ۳۴-۳۵) البته صاحبان اندیشه و قدرت، کار خود را مشروع می‌دانند و آموزش‌گیرندگان نیز به مشروعیت این عمل باور دارند و آن را جزئی از فرایند دانش‌اندوزی به شمار می‌آورند (ص: ۳۶).

«به بیان دیگر کنش آموزشی فعلیتی آموزشی است که در اصل هدفش انتقال یا تلقین فرهنگ طبقه‌ای خاص است و به این هدف در بلند مدت جامعه عمل می‌پوشاند. در این مدت

خود تا انجام این پژوهش از همکاری ژان کلود پسون نیز استفاده می‌کرد، ولی بعد از این پژوهش این دو جامعه‌شناس از هم جدا شده و بورديو این نظریات را به تنهایی و به هدایت خود در پژوهش‌های آتی ادامه داد. لذا، در طول مقاله حاضر، تنها به ذکر نام بورديو اکتفا می‌کنیم، چون پایه‌گذار اصلی و بسط‌دهنده این نظریه، خود او بوده است.

خشونت نمادین

یکی از نکات مهم این کتاب طرح نوعی از خشونت است که به طور غیر مستقیم در نظام آموزش و پرورش فرانسه وجود دارد. این خشونت عمدتاً در قالب گزینشی دیده می‌شود که نسبت به دانش آموزان طبقات غیر بورژوا، مخصوصاً طبقه محروم اجرا می‌شود. این گزینش پنهان، با اهمیت دادن به مشخصه‌ای که در طبقه‌ای خاص مشاهده می‌شود، اتفاق می‌افتد. و این مشخصه چیزی نیست جز زبانی که متعلق به طبقه‌ای خاص یعنی طبقه بورژوا در جامعه است.

بورديو مقوله خشونت را در ارتباط با قدرت و در گذار از آن توجیه می‌کند. وی معتقد است که: «هر قدرتی با طرح مفاهیمی، آن‌ها را در محیطی به اجرا در می‌آورد و به این ترتیب آن مفاهیم را تحمیل کرده و به آن‌ها مشروعیت می‌بخشد. در حالی که فشاری که جزء بنیادهای این مشروعیت است، پنهان می‌ماند. این عمل، یک خشونت نمادین است.» (۱۹۷۰: ۱۸) وی معتقد است که چنین قدرتی نیز در نظام آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی فرانسه وجود دارد. به عبارتی: «تمام کنش‌های آموزشی به صورت عینی نوعی خشونت نمادین هستند که به مثابه اقتداری فرهنگی آن فرهنگ را تحمیل می‌کنند.» (همان: ۱۹) به زبان دیگر: «هدف کنش آموزشی، بازتولید طبقات

بنابراین ملاک نابرابری هوش در واقع ملاک سنجش نابرابری فرهنگ افسراد در این محیط است.

بدین ترتیب، بورديو معتقد است که در جامعه، طبقات مختلف اقتصادی و فرهنگی ای وجود دارند که مدرسه این طبقات را باز تولید می‌کند. یعنی ساختار جامعه هیچ تغییری نمی‌کند حتی اگر فرزندان طبقه محروم نیز بتوانند به تحصیل بپردازند. طبقه حاکم هم‌چنان به حکومت ادامه می‌دهد و طبقه محروم هم‌چنان محروم خواهد بود. مدرسه این امر را با فراهم کردن شرایط مساعد برای طبقه حاکم و سخت‌گیری و گزینش برای طبقه محروم و محکوم، به کمک زبان و فرهنگ رایج در خود به عنوان معیار گزینش، انجام می‌دهد. در نتیجه مدرسه ارزش‌های طبقه بورژوا را مطرح می‌کند، و به این طریق مسیر پیشرفت افراد آن طبقه را هموار می‌کند. در حالیکه دانش‌آموزان طبقه محروم را سرکوب کرده و مانع می‌شود که به رشته‌هایی که به قدرت ختم می‌شوند برسند. مدرسه به صورت نابرابر با دانش‌آموزان طبقات مختلف اقتصادی و فرهنگی برخورد می‌کند. در واقع به نظر بورديو: «عادت‌واره‌های ساختار یافته در خانواده و میزان فاصله آن‌ها با عادت‌واره‌های مطرح در نظام آموزش و پرورش، تعیین‌کننده آینده علمی دانش‌آموزان هستند، یعنی میزان تسلط بر زبانی که زبان معیار آموزش معیار نظام آموزشی است تعیین‌کننده موقعیت آینده دانش‌آموز می‌شود نه استعداد ذاتی وی» (ص. ۹۰). برای مثال، تفاوت زبان در پاریس و در شهرهای مختلف فرانسه نیز قابل مقایسه است. مقایسه‌ای که نشان می‌دهد: «دانشجویان پاریسی پیشرفت‌های بیشتری نسبت به دانشجویان شهرستانی دارند. این تفاوت در بین طبقات محروم به مراتب بیشتر است».

زمان، این فرهنگ به صورت عادت‌واره^۲ در فرد جا می‌افتد و یا ملکه ذهن او می‌شود. عادت‌واره محصول درونی کردن اصول و ارزش‌های فرهنگی است و بعد از اتمام فعالیت باقی می‌ماند و در اعمال فرد خود را نشان می‌دهد» (ص. ۱۷). «عادت‌واره عامل یکسان سازی رفتارها و افکار است و نیز وجه مشخصه فرد، زیرا تلاش این عامل بر تولید رفتارهای هم‌گونی است که ویژگی‌های آموزشی و نظامی را دارا هستند که این عامل بخشی از آن است» (ص. ۱۹۸).

عمل کنش آموزشی زمانی موفقیت‌آمیز می‌شود که توانسته باشد در مرحله تلقین عادات و رفتارهای فرهنگی کار خود را به خوبی انجام داده باشد، یعنی بازتولید فرهنگی صورت گرفته باشد. و عادت‌واره تولید شده همان فرهنگ را در اعمال نشان بدهد.

نظام آموزش و پرورش

بورديو بر این اعتقاد است که نظام آموزش و پرورش فرانسه تلاش می‌کند چهره‌ای دمکراتیک از خود نشان بدهد و محیط آموزشی را محیطی برای پذیرش یکسان افراد مختلف جامعه قلمداد کند. در حالی که این توهمی بیش نیست. مدرسه در عمل، شانس موفقیت طبقه مرفه را دو برابر می‌کند، به این ترتیب که فرهنگی را مطرح می‌کند که با فرهنگ طبقه بالا انطباق دارد و مسیر را برای پیشرفت افراد آن طبقه هموار می‌کند. در حالی که افراد طبقه محروم در ورود به مدرسه با فرهنگ جدیدی روبرو می‌شوند که آموختن آن برای آن‌ها حکم آموختن دانش جدیدی را دارد. به عبارت دیگر، این دانش‌آموزان، در مقابل آموزش دو علم متفاوت قرار می‌گیرند.

² habitus

(ص. ۹۲) زندگی در پاریس هم برتری زبان را به همراه می‌آورد و هم برتری فرهنگی را. «آموزش زبان جدید برای محرومان، یعنی کنار گذاشتن زبان و به دنبال آن فرهنگ خود. آموزش زبان جدید رابطه با دنیای جدید را به دنبال می‌آورد». (ص. ۱۴۵) «درونی کردن و پذیرش فرهنگ جدید نیز عملاً غیر ممکن است مگر توسط خانواده درونی شده باشد». (ص. ۱۶۳) «در نتیجه این محرومیت همیشه دانش آموز طبقه محروم را همراهی خواهد کرد و نوعی حذف شدن را برای وی به دنبال خواهد آورد بی‌آنکه مستقیماً امتحانی صورت گرفته باشد» (ص. ۱۶۹).

به بیان دیگر رابطه بین معلمین و دانش آموزان را، زبانی که هر کدام استفاده می‌کنند و باعث شکل دادن به این رابطه در جهت مثبت یا منفی شده است، هدایت می‌کند. چنین است که: «هرچه دراز طبقه مرفه مادی به سمت طبقه محروم مادی نزدیک می‌شویم، شکست تحصیلی بیشتری را شاهد خواهیم بود». (ص. ۹۲) البته معلمان به عنوان محصولات همین نظام آموزش و پرورش به صورت آگاهانه دانش آموزان را گزینش نمی‌کنند، بلکه آن‌ها مجریان این نظام بوده و با زبان نظام آشنا هستند، لذا رفتار آموزشی آن‌ها به صورت غیرمستقیم طبقات محروم را به دنبال دارد. در این مورد بورديو معتقد است که: «نظام آموزش و پرورش، برای انجام کارکرد اجتماعی خود جهت مشروعیت بخشیدن به فرهنگ مورد قبول خویش که فرهنگ طبقه حاکم است، می‌باید به فعالیت خود مشروعیت دهد و این امر جز با به رسمیت شناختن اقتدار معلمان امکان‌پذیر نیست». (ص. ۱۵۷) به این ترتیب معلمان در رفتارهای آموزشی خود اعمالی را انجام داده و به نتایج خاصی می‌رسند. این نتایج گزینش و یا حذف دانش‌آموزان طبقه

محروم را بدنبال خواهد داشت. این در حالی است که معلم به صورت غیرمستقیم صاحب اقتدار می‌شود.

به صورت خلاصه تاثیر برخورد ایدئولوژیک نظام آموزش و پرورش را در چند نتیجه مهم دیگر می‌توان این گونه مطرح کرد: «در مجموع در ارتباط با جنسیت، گزینش دخترها به مراتب سخت‌تر از پسرها است». (ص. ۹۸) «پسرها بیشتر از دخترها رشته‌های کلاسیک مانند فلسفه را انتخاب می‌کنند». (ص. ۹۷) «طبقات مرفه بیشتر از طبقات دیگر در دوره دبیرستان زبان‌های یونانی و لاتین را یاد می‌گیرند». (ص. ۹۹) آموزش این دو زبان تاثیر خوبی بر روی پیشرفت تحصیلی آینده آن‌ها خواهد داشت. دانشجویان دختر طبقه مرفه در رشته فلسفه نمرات بهتری نسبت به دانشجویان طبقات دیگر می‌آورند ولی در رشته جامعه‌شناسی (رشته‌ای که محل فعالیت و خودنمایی دانشجویان طبقات مرفه و غیر مرفه‌ای است که در اثر گزینش نتوانسته‌اند به رشته فلسفه وارد بشوند)، برعکس از نمرات خوبی برخوردار نیستند». (ص. ۱۰۸)

تمام این گزینش‌ها بصورت غیر علنی یعنی پنهانی و ایدئولوژیکی در نظام آموزش و پرورش صورت می‌گیرد. در واقع بورديو با این پژوهش، کارکرد ایدئولوژیک پنهان نظام آموزش و پرورش فرانسه را نشان می‌دهد. لذا وی معتقد است که: «رشته‌های مختلف و دانشگاه‌های مختلف، به صورت نابرابر دانشجویان طبقات مختلف را در ارتباط با نمراتی که قبلاً در دبیرستان کسب کرده‌اند جذب می‌کند و این نابرابری در ارتباط با طبقه اجتماعی و اقتصادی آنها است». (ص. ۱۹۳).

طبقه متوسط، در این میان به نظر بورديو در این جریانات موجود در نظام آموزش و پرورش چندان بازنده نیست، چون این طبقه تلاش

فرهنگ این طبقه برای نظام آموزش و پرورش ملاک قرار گرفته است؟

بوردیو درباره تمام مواد آموزشی نظام آموزش و پرورش بحث نمی‌کند بلکه تاکید خود را بر زبان و فرهنگ رایج در مدرسه قرار می‌دهد. آیا مواد دیگری مانند ریاضیات که از نظر فرهنگی خستی هستند در چگونگی وضعیت تحصیلی دانش آموزان تاثیر ندارند؟

بوردیو هیچ اهمیتی و اشاره‌ای به نوع و شیوه زندگی بورژوازی اعم از برنامه داربودن، استفاده از موقعیت‌ها، منطقی بودن و نظام‌مند بودن که در خانواده‌های بورژوا اجرا و آموخته می‌شود، نمی‌کند. آیا تمرین نظم و برنامه داشتن که در نظام آموزش و پرورش نیز وجود دارد، خود عامل مهمی جهت پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز متعلق به فرهنگ بورژوازی نیست؟

همچنین بوردیو به این نکته کم توجه داشته است که دانش آموزان طبقه مرفه علاوه بر مدرسه از محیط خانوادگی خود نیز دانشی را می‌آموزند، این دانش یاری‌دهنده و در بعضی مواقع، مکمل آموزش‌های مدرسه است. در حالی که تنها منبع فرهنگی در دسترس دانش آموزان طبقه محروم، مدرسه است. آیا وجود این عامل مهم تقویت‌کننده، نقش زیادی را در جهت پیشرفت دانش‌مدرسه‌ای ایفا نمی‌کند؟

به هرجهت حتی با در نظر گرفتن این‌گونه سؤال‌ها، از ارزش کتاب *بازتولید* و خدمتی که این کتاب به نظام آموزش و پرورش فرانسه و به جامعه علمی به خصوص رشته جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی آموزش و پرورش کرده است، به هیچ وجه کاسته نمی‌شود. کتاب *بازتولید*، یکی از کتاب‌های کلاسیک این دو رشته بوده و بدون شک از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که پس از سال‌ها سکوت در این رشته‌ها (پس از امیل دورکیم) مطرح شده است.

می‌کند از فرهنگ و زبان طبقه مرفه تقلید کند. در نتیجه، ورود به مدرسه‌ای که این فرهنگ در آن جاری است برای او بیگانه نیست. کوتاه سخن آن که بوردیو معتقد است نظام آموزش و پرورش حکم امپراتوری بزرگی را دارد که با بی توجهی نسبت به نابرابری‌های اجتماعی - فرهنگی دانش‌آموزان و تحمیل فرهنگی خاص و متعلق به طبقه‌ای خاص به آن‌ها، برای طبقاتی که فرهنگی جز آن دارند این نابرابری اجتماعی را تشدید می‌کند و به عنوان یک وسیله مهم و اصلی در بازتولید ساختار اجتماعی موجود جامعه عمل می‌کند. البته، برطبق نظر بوردیو این بی توجهی آشکار، به صورت پنهانی جزء اهداف نظام آموزش و پرورش نیز هست.

اصالت نظام آموزش و پرورش

کتاب بوردیو و نظریه بازتولید در عین جذابیت و اهمیتی که دارد، خالی از اشکال و نقد نیست. نقد بر این کتاب از آغاز انتشار آن انجام گرفت و درباره آن همواره سوالاتی مطرح بوده است: تاکید بیش از حد بوردیو نسبت به قدرت نظام آموزش و پرورش اغراق‌آمیز است و انفعال یا مرگ سوژه را القاء می‌کند. محکوم بودن افراد به گذران سرنوشت خود، بدون داشتن هیچ قدرتی برای تغییر مسیر زندگی، کمی دور از واقعیت به نظر می‌رسد. آیا هیچ فرزند طبقه محروم هرگز توانسته است به درجات عالی علمی، فرهنگی و اقتصادی دسترسی پیدا کند؟ آیا هیچ تحرک اجتماعی در فرانسه وجود ندارد؟ کتاب کلاسیک و معروف ریمون بودن در جواب این پرسش‌ها خود می‌تواند گواهی بر این ادعا باشد. آیا تمام تصمیم‌گیرندگان نظام آموزش و پرورش فرانسه بورژوا هستند؟ چرا و به چه دلیل

منابع:

- Bourdieu, Pierre, Passeron, Jean-Claud, 1983, **Les Héritiers, les étudiants et la culture**. Les Editions de Minuit. Le sens commun. Paris.
- Boudon Raymond, 1979, **L'Inégalité des chances, la mobilité sociale dans les sociétés industrielles**, Pluriel, Armand Colin.



شپه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی